

بررسی تأثیر روش مداخله‌ای حل مشکل خانوادگی بر کاهش ناسازگاری زوجین

دکتر خدابخش احمدی*؛ دکتر علی فتحی آشتیانی* و دکتر احمد اعتمادی**

چکیده

این پژوهش با هدف «ارزیابی اثربخشی روش مداخله‌ای حل مشکل خانوادگی بر کاهش ناسازگاری زوجین» انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را زوجین ساکن شهر تهران تشکیل داده‌اند. برای اجرای پژوهش ابتدا وضعیت سازگاری زناشویی ۴۵۰ زوج که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند با استفاده از «مقیاس رضایت زناشویی انریچ» بررسی شد. سپس در مرحله دوم تعداد ۸۰ زوج که دارای ناسازگاری زناشویی بودند از بین آنها انتخاب و بطور تصادفی به دو گروه آزمایشی و کنترل تقسیم شدند. آنگاه روش حل مشکل خانوادگی به مدت ۱۵ ساعت طی ۱۱ جلسه بر روی گروه آزمایشی اجرا شد. اطلاعات لازم برای بررسی نتایج از طریق پیش‌آزمون و پس‌آزمون پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ و «پرسشنامه حل مشکل خانوادگی» جمع‌آوری شد. داده‌های تحقیق با استفاده از آزمون‌های مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد که روش مداخله‌ای حل مشکل خانوادگی به ترتیب در ابعاد ارتباط دوتایی، حل تعارضات، روابط جنسی، موضوعات شخصیتی و ارتباط با اقوام و دوستان موجب کاهش ناسازگاری زناشویی می‌شود. بر اساس نتایج این تحقیق پیشنهاد می‌شود مشاوران و درمانگران در کمک به زوجین، روش مداخله‌ای خود را بر حسب نوع ابعاد ناسازگاری انتخاب کنند.

کلید واژه‌ها: ناسازگاری زناشویی، مداخله، زوج درمانی، حل مشکل خانوادگی.

* مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)

** دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی (تهران)

● مقدمه

«سازگاری زناشویی» وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساسی ناشی از خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند. روابط رضایت بخش در بین زوجین از طریق علاقه متقابل، میزان مراقبت از همدیگر و پذیرش و تفاهم یکدیگر قابل سنجش است (سین‌ها و ماکرچک، ۱۹۹۰). در واقع رضایت زناشویی یک ارزیابی کلی از وضع فعلی ارتباط ارائه می‌دهد. برای تعیین و نشان دادن میزان شادی و میزان پایداری رابطه، یکی از رایج‌ترین مفاهیم، رضایت و سازگاری زناشویی است (دانیل و بالارد، ۱۹۹۰). سازگاری زناشویی به صورت خودکار ایجاد نمی‌شود، بوجود آمدن آن نیاز به تلاش زوجین دارد. معمولاً سال اول ازدواج از نظر سازگاری بسیار ناپایدار بوده و بیشترین خطر را برای ناسازگاری و طلاق دارد (کانوی، ۲۰۰۰). لاپوز (۱۹۸۶)، دلایل ازدواجهای مشکل‌دار طبقه متوسط و بالای جامعه فیلیپین را ازدواجهای رمانتیک، خودشیفتگی، واژگونی نقش، مشکلات حقوقی، حسادتهای غیرمنطقی، عدم تفاهم، هم‌کفو نبودن و وجود تعارضات شدید شناسایی کرده است.

برای کاهش ناسازگاری زناشویی در بین زوجین تلاشهای علمی فراوانی صورت گرفته است. این تلاشها به تدوین راهبردهای مداخله‌ای منجر شده است که می‌توان آنها را به سه دسته عمده تقسیم کرد. ۱. برنامه‌های آماده‌سازی زوجین در قبل از ازدواج (آلسن و السن، ۱۹۹۷)، ۲. برنامه‌های غنی‌سازی پس از ازدواج (نیکولس و بکوار، ۲۰۰۰) و ۳. مشاوره ازدواج برای زوجین ناسازگار (سیمن و هلم و لیمن، ۱۹۸۵). روشهای مشاوره ازدواج متعدد هستند. رویکردهای «رفتاری»، «شناختی»، «روان‌پویشی» و «سیستمی» از جمله رویکردهای مهم در مشاوره ازدواج می‌باشند (چمپیون و پاور، ۲۰۰۰). یکی از روشهای مداخله‌ای برای کاهش ناسازگاری زوجین روش «حل مشکل خانوادگی» است که از مداخلات مبتنی بر دیدگاه رفتاری سرچشمه گرفته است. روش حل مشکل خانوادگی جزئی‌نگر و مشکل‌محور است و از دو مرحله اصلی رابطه و مشکل تشکیل یافته است. هدف اصلی این روش آموزش نحوه مذاکره به زوجین است تا آنها بتوانند راه‌حل‌های معقولی را برای تعارضات خود پیدا کنند. گرچه نتیجه اجرای این روش حل تعارضات موجود در بین زن و شوهر است، اما فرایند حل این تعارضات از اهمیت بیشتری برخوردار است (مارکمن و همکاران، ۱۹۹۳).

بالس^۱ و استرویک^۲ (۱۹۵۱) پنج گام عمومی روش حل مشکل، یعنی «بیان مشکل»، «ایجاد راه‌حل‌های ممکن»، «ارزیابی راه‌حل‌ها»، «انتخاب راه‌حل» و «اجرا و ارزیابی» را طراحی و معرفی نمودند (به نقل از فورگاج، ۱۹۸۹). برای اولین بار شار^۳ و اسپیراک^۴ (۱۹۷۸)، روش حل مشکل را

در زمینه حل تعارضات خانوادگی بکار بردند. بعد از آنها جاکسن^۷ و مارگولین^۸ (۱۹۷۹)؛ نزو و دی‌زویلا (۱۹۸۱)؛ گلدشتین^۹ و رودنیک^{۱۰} (۱۹۸۲)، به نقل از فورگاج، (۱۹۸۹)، در توسعه این روش و بکارگیری آن برای حل تعارضات خانوادگی تلاش کردند و الگوهای مختلفی از این روش را تدوین و معرفی نمودند.

گاتمن (۱۹۷۹)، در استفاده از این روش بر نوع تعاملاتی که زن و شوهر در حین تعارض داشتند تأکید می‌نمود، از نظر او مراحل حل مشکل عبارتند از: «تعیین هدف»، «ایجاد گفتگو و بحث و استدلال»، «مذاکره»، «انتقال» و «معاوضه». همچنین او توانست میزان اثربخشی این روش در حل تعارضات زوجین را با استفاده از شاخص‌های مختلف، ارزیابی و اثربخشی آنرا بطور تجربی ثابت کند. از سویی دیگر دیان و توماس (۱۹۹۶)، ابعاد و مراحل جزئی روش حل مشکل خانوادگی را با حفظ چارچوب اصلی آن شناسایی و بطور دقیق تعریف نمودند و شیوه‌های اجرایی هر مرحله را تدوین کردند.

در نحوه بکارگیری روش حل مشکل خانوادگی، الگوهای متعددی بوجود آمده است، از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «الگوی توماس و کیلمن» (TKI)^{۱۱}: که توسط توماس و کیلمن (۲۰۰۰)، معرفی شده است و شامل مراحل بحث و گفتگو درباره تعارضات، ارائه اطلاعات درباره تعارضات، حمایت، آموزش بکارگیری راه‌حل، تمرین و پاسخگویی به پرسشنامه می‌باشد. همچنین برگر و هنتا (۱۹۹۹)، یک الگوی ده مرحله‌ای در حل مشکل خانوادگی معرفی کرده‌اند. این مراحل عبارتند از: «قراردادن وقت و زمان برای مباحثات»، «تعریف مشکل»، «تعیین سهم هر یک از طرفین»، «تهیه فهرستی از تلاشهای ناموفق زوجین»، «فهرست کردن تمامی راه‌حل‌های ممکن» (بارش ذهنی)، «بحث و ارزشیابی راه‌حل‌های ممکن»، «توافق روی راه‌حل»، «توافق روی نحوه مشارکت»، «تدارک نشست‌های دیگر» و «ارائه تشویق و پاداش». علاوه بر این، «الگوی بن و آلیسا»^{۱۲} در هشت مرحله، «الگوی کودر»^{۱۳} در شش مرحله، الگوی FSAP^{۱۴} در هفت مرحله و الگوی FOCUS^{۱۵} در پنج مرحله از جمله این الگوهاست (برگر و هنتا، ۱۹۹۹). الگوی اخیر (FOCUS) مطابق نظر دی‌زویلا و نزو (۱۹۹۹)؛ نزو و همکاران (۱۹۸۹) و کاریلو و همکاران (۲۰۰۱)، شامل مراحل واقع‌گرایی، خوشبینی، خلاقیت، شناخت و حل مشکل می‌باشد. الگوهای ارائه شده در روش مداخله‌ای حل مشکل خانوادگی بطور متوسط بین ۸ تا ۱۵ ساعت بصورت ۴ تا ۸ جلسه ۲ ساعته به شکل هفته‌ای یک جلسه به همراه تکالیف خارج از جلسه برنامه‌ریزی می‌شوند.

علی‌رغم وجود شواهدی مبنی بر اثربخشی روش مداخله‌ای حل مشکل خانوادگی در

کاهش ناسازگاری زوجین در کشورهای دیگر، بکارگیری این روش برای کمک به کاهش ناسازگاری زناشویی زوجین در کشورمان نیازمند شواهد پژوهشی است. بر این اساس این پژوهش با هدف سنجش و ارزیابی میزان اثربخشی روش مداخله‌ای حل مشکل خانوادگی بر کاهش ناسازگاری زوجین صورت گرفته و سعی دارد این فرضیه پژوهشی که: روش حل مشکل خانوادگی موجب کاهش میزان ناسازگاری زناشویی می‌شود، را مورد آزمایش قرار دهد.

● روش

این تحقیق با استفاده از روش تجربی انجام شده است. در این روش از طرح «پیش‌آزمون و پس‌آزمون با دو گروه آزمایش و کنترل» استفاده گردیده است. ابتدا برای انتخاب «زوجین دچار ناسازگاری زناشویی» تعداد ۴۵ زوج ساکن در مناطق مختلف شهر تهران با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و از طریق «مقیاس رضایت زناشویی اتریچ»^{۱۵} مورد آزمون قرار گرفتند. آنگاه ۸۰ زوج از آنها که دارای بیشترین میزان ناسازگاری زناشویی بودند برای مرحله آزمایش انتخاب شدند. در نمونه‌گیری این مرحله زوجینی که سابقه ازدواج آنها کمتر از دو سال و بیشتر از ۱۵ سال بود، زوجینی که به دلیل تعارض شدید جدا از هم زندگی می‌کردند، زوجینی که حداقل یکی از آنها دچار بیماری مزمن جسمانی یا اختلالات روانی بودند انتخاب نشدند و جزء این ۸۰ زوج نبودند. سپس این ۸۰ زوج با روش تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. برای گروه آزمایشی ۵۰ زوج و برای گروه کنترل ۳۰ زوج در نظر گرفته شد. علت انتخاب تعداد نامساوی برای گروهها، احتمال افت نمونه در گروه آزمایشی بود. لازم به ذکر است که تعداد افت نمونه‌ها در طول مرحله آزمایشی، در گروه آزمایشی ۱۱ مورد بود و گروه کنترل افت نمونه نداشت.

برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از «پرسشنامه رضایت زناشویی اتریچ» و «پرسشنامه شیوه حل مشکلات خانوادگی»^{۱۶} استفاده شد. «مقیاس اتریچ» مورد استفاده، فرم ۴۷ سئوالی از مقیاس اصلی است که در ایران توسط سلیمانیان و نوابی‌نژاد (۱۳۷۳) هنجاریابی شده است. اعتبار این مقیاس با روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ (سلیمانیان و نوابی‌نژاد، ۱۳۷۳) و با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰/۹۴ (مهدویان، ۱۳۷۶) بدست آمده است. آسن و آسن (۱۹۹۷)، ضریب «اعتبار»^{۱۷} مقیاس اصلی اتریچ را در کار کلینیکی بین ۰/۸۵ تا ۰/۹۵ بدست آورده بودند. در این مقیاس ابعاد سازگاری مورد سنجش عبارتند از: «موضوعات شخصیتی»، «روابط دوتایی»، «حل تعوی»، «مسایل مالی»، «اوقات فراغت»، «روابط جنسی»، «تربیت فرزند»، «ارتباط با اقوام و دوستان» و «جهت‌گیری مذهبی». پرسشنامه شیوه حل مشکلات خانوادگی با الهام از پرسشنامه‌های فورگاچ

(۱۹۸۹)، دیان و توماس (۱۹۹۶)، چمپیون و پاور (۲۰۰۰)، دی‌زودیللا (۱۹۹۰) و برگر و هنها (۱۹۹۹)، توسط محقق ساخته شد. مواد این پرسشنامه در زمینه روشهای مواجهه با مشکلات فعلی، میزان شناخت فرایند و گام‌های حل مشکل و چگونگی بکارگیری روشهای حل مشکل در بین زوجین بود. این پرسشنامه پس از تأیید «روایی»^{۱۸} محتوایی توسط متخصصین، اعتباریابی شد. ضریب همبستگی درونی پرسشنامه با روش ضریب آلفا ۰/۹۲ و میزان «اعتبار» پرسشنامه با روش بازآزمایی در فاصله دو هفته در بین زوجین ۰/۶۴ بدست آمد. پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش در دو نوبت، پیش و پس از مرحله آزمایش بر روی گروههای آزمایش و کنترل اجرا شد.

مراحل اجرای پژوهش عبارت بود از: «انجام پیش‌آزمون»، «اعمال متغیر آزمایشی» و «اجرای پس‌آزمون». متغیر آزمایشی همان اعمال روش مداخله‌ای حل مشکل خانوادگی شامل مراحل اصلی ارتباط، واقع‌بینی، خلاقیت، تصمیم‌گیری، بکارگیری و ارزیابی بود. مراحل فرعی یا محتوای هر یک از مراحل اصلی به شرح زیر بود: «مرحله ارتباط»: شامل معرفی روش حل مشکل خانوادگی و هدف آن، ارزیابی تعامل بین زوجین، گسترش نگرش مثبت نسبت به شیوه کار، آشنایی با مهارتهای تعامل و تمرین مهارتهای تعامل. «مرحله واقع‌بینی»: شامل اولویت‌بندی مشکلات موجود در روابط زوجین و افزایش میزان خوشبینی نسبت به حل آنها. «مرحله خلاقیت»: شامل آشنایی با راه‌حل‌ها، تمرین شیوه‌های ایجاد و گسترش راه‌حل‌ها. «مرحله تصمیم‌گیری»: شامل ارزیابی راه‌حل‌ها، آشنایی و تمرین شیوه‌های انتخاب مناسبترین راه‌حل. «مرحله بکارگیری»: شامل انتخاب راه‌حل نهایی و آلترناتیو، تعیین و مشخص کردن گام‌های اجرای راه‌حل، ایجاد تعهد، اجرای آزمایشی راه‌حل. «مرحله ارزیابی»: شامل، ارزیابی شیوه اجرا، بحث و بررسی مشکلات اجرایی، ارزیابی نتایج، تشویق به تداوم اجرای مراحل برای سایر مشکلات خانواده در زندگی واقعی.

محتوای جلسات متشکل از گفتگو، بحث، تمرین و انجام تکلیف بود. تمرین و تکلیف هر جلسه در خارج از جلسه توسط زوجین انجام و گزارش آن در جلسه بعد مورد بحث قرار می‌گرفت. چنانچه در انجام تکالیف نواقص و مشکلات احتمالی بوجود می‌آمد موضوع در جلسه بعد بررسی و شیوه‌های رفع آن تعیین می‌شد. در مجموع مدت اجرای پژوهش ۱۳ هفته بود. در هفته اول هر دو گروه آزمایش و کنترل پیش‌آزمون انجام شد، همچنین اعضای گروه آزمایش به سه زیرگروه تقسیم شدند. علت تقسیم به سه زیرگروه فراهم‌سازی گروههای آموزشی و مشاوره‌ای با تعداد محدود بود، چرا که امکان حضور تمامی افراد گروه آزمایشی که

تعداد ۵۰ زوج بودند در یک گروه وجود نداشت، بنابراین در این پژوهش دو گروه ۱۸ تایی و یک گروه ۱۶ تایی از افراد گروه آزمایشی تشکیل شد. تمامی اعضای گروه آزمایشی بمدت ۸ هفته بصورت هفته‌ای یک جلسه ۱/۵ ساعتی در جلسات گروهی و بمدت ۳ هفته به صورت هفته‌ای یک جلسه ۱ ساعتی در جلسه مشاوره زناشویی تحت تأثیر روش مداخله حل مشکل خانوادگی قرار داده شدند. در سه جلسه انفرادی بیشتر تکالیف ارائه شده و مشکلات بوجود آمده در بکارگیری راه حل‌ها بررسی و شیوه‌های پیگیری آن تعیین می‌شد. آنگاه پس از اتمام دوره مداخله و در هفته سیزدهم، از هر دو گروه آزمایش و کنترل آزمون دوم (پس آزمون) به عمل آمد. لازم به ذکر است که علی‌رغم همکاری هر دو زوجین در انجام تکالیف جلسات مداخله‌ای، پرسشنامه‌های جمع‌آوری اطلاعاتی که بر روی زنان انجام شده بود، مورد بررسی قرار گرفت. در پایان داده‌های بدست آمده با استفاده از روش آزمون آماری t گروه‌های مستقل، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای انجام آزمون آماری t، همگنی واریانس‌ها بررسی شد و ملاحظه شد که در هیچ موردی از آزمون‌های انجام شده در این پژوهش، تفاوت آماری بین واریانس‌ها وجود ندارد؛ و بنا بر این همگنی واریانس‌ها تایید شد.

● نتایج

اطلاعات حاصل از بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی آزمودنی‌ها نشان داد که میانگین سن مردان مورد بررسی $34/8 \pm 5/4$ و میانگین سن زنان $30/8 \pm 5/6$ بود. متوسط تحصیلات مردان فوق دیپلم و متوسط تحصیلات زنان دیپلم بود، همچنین میانگین مدت ازدواج آزمودنی‌ها $10/95 \pm 5/05$ سال و متوسط تعداد فرزندان آنها ۲ نفر بود. پیش از آزمون فرضیه پژوهشی، برای اطمینان از شرایط مساوی گروه‌های آموزشی و کنترل و نیز اطمینان از تأثیر روش مداخله‌ای در افزایش توانایی آزمودنی‌های گروه آزمایشی در بکارگیری روش حل مشکل دو آزمون آماری زیر انجام شد. مقایسه میانگین نمرات پیش آزمون دو گروه آزمایشی و کنترل از نظر وضعیت سازگاری زناشویی که با استفاده از روش آزمون آماری t گروه‌های مستقل انجام شد نشان داد که بین این دو گروه در سطح $p \leq 0/05$ تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (جدول ۱). معنی‌دار نبودن تفاوت دو گروه آزمایش و کنترل در پیش آزمون به این معنی است که دو گروه پیش از اعمال متغیر آزمایشی از نظر سازگاری زناشویی شرایط تقریباً یکسانی را داشتند و بنابراین شرایط قبلی آزمودنی‌ها در نتیجه آزمایش اثرگذار نبود. لازم به ذکر است که این شرایط مساوی به دلیل

تقسیم تصادفی آزمودنی‌ها به دو گروه آزمایشی و کنترل بود.

جدول ۱- مقایسه میانگین نمرات پیش‌آزمون سازگاری زناشویی در بین گروه آزمایش و گروه کنترل (با استفاده از نمرات اصلی پرسشنامه سازگاری زناشویی)

گروهها	شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	ارزش t	سطح معنی‌داری
گروه آزمایشی		۱۲۳/۲۹	۲۶/۷	-۱/۰۲۹	۰/۳۰۸
گروه کنترل		۱۲۹/۳۷	۲۷/۸		

به منظور اطمینان از تأثیر روش مداخله بر افزایش مهارت‌های حل مشکل زناشویی افراد گروه آزمایشی، میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون حاصل از پرسشنامه حل مشکل خانوادگی در بین دو گروه آزمایشی و کنترل مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج این مقایسه که با استفاده از نمره تفاضل پس‌آزمون و پیش‌آزمون و با بهره‌گیری از روش آمار t انجام گرفت، نشان داد که بین دو گروه مورد مقایسه تفاوت معنی‌داری در سطح $p \leq 0/01$ وجود دارد. بنابراین نتیجه گرفته شد که در اثر اعمال متغیر آزمایشی، میزان توانایی «حل مشکل خانوادگی» در بین افراد گروه آزمایشی بهبود یافته است (جدول ۲).

جدول ۲- مقایسه توانایی حل مشکل خانوادگی در بین گروه آزمایشی و گروه کنترل (با استفاده از نمره تفاضل پس‌آزمون و پیش‌آزمون)

گروهها	شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	ارزش t	سطح معنی‌داری
گروه آزمایشی		۱۳/۰۶	۱۹/۰۱	۴/۵۳	۰/۰۰۰۱
گروه کنترل		-۵/۹۳	۲۲/۲۹		

برای بررسی فرضیه پژوهشی که «روش مداخله‌ای حل مشکل خانوادگی موجب کاهش میزان ناسازگاری‌های زناشویی می‌شود»، میانگین نمره سازگاری زناشویی (تفاضل نمره پس‌آزمون و پیش‌آزمون) در دو گروه آزمایشی و کنترل با استفاده از روش آمار t گروه‌های مستقل مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج نشان داد که تفاوت معناداری ($p < 0/01$) بین دو گروه وجود دارد، یعنی میانگین نمره سازگاری زناشویی در بین گروه آزمایشی بطور معنی‌داری بیش از گروه کنترل است. این نتیجه نشان داد که روش مداخله‌ای «حل مشکل خانوادگی» موجب افزایش میزان سازگاری زناشویی در بین زوجین شده است (جدول ۳).

جدول ۳- مقایسه میزان سازگاری زناشویی در بین گروه آزمایشی و گروه کنترل

(با استفاده از نمره تفاضل پس آزمون و پیش آزمون)

گروهها	شاخصها	میانگین نمره	انحراف معیار	ارزش t	سطح معنی داری
گروه آزمایشی		۱۱/۳۸	۲۳/۳۵	۳/۰۴	۰/۰۰۳
گروه کنترل		-۴/۵۰	۲۶/۸۹		

در مرحله بعد ابعاد نه گانه سازگاری زناشویی در بین دو گروه آزمایشی و کنترل مورد مقایسه قرار گرفت تا میزان تأثیر روش مداخله‌ای «حل مشکل خانوادگی» بر هر یک از ابعاد سازگاری زناشویی مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور از روش آماری آزمون t گروههای مستقل بهره گرفته شد. نتایج حاصل در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴- مقایسه ابعاد نه گانه سازگاری زناشویی در بین گروه آزمایشی و گروه کنترل

(با استفاده از نمره تفاضل پس آزمون و پیش آزمون)

ابعاد سازگاری	شاخصها	میانگین	انحراف معیار	ارزش t	سطح معنی داری
موضوعات شخصیتی	آزمایش	۱/۵۱	۴/۷۲	۲/۱۸	۰/۰۳
	کنترل	-۰/۶۰	۳/۸۹		
ارتباط دوتایی	آزمایش	۳/۱۶	۵/۳۵	۳/۰۴	۰/۰۰۳
	کنترل	-۰/۶۳	۶/۹۲		
حل تعارض	آزمایش	۱/۶۲	۳/۸۸	۳/۶۳	۰/۰۰۰۱
	کنترل	-۱/۴۷	۴/۱۷		
مدیریت مالی	آزمایش	۰/۷۷	۳/۰۵	۱/۵۰	-
	کنترل	-۰/۲۰	۲/۹۵		
فعالتهای اوقات فراغت	آزمایش	۰/۹۷	۳/۱۶	۰/۵۱	-۰/۶۱
	کنترل	۰/۵۰	۴/۷۲		
روابط جنسی	آزمایش	۱/۰۴	۳/۲۷	۳/۳۰	۰/۰۰۱
	کنترل	-۱/۴۰	۳/۸۸		
وظایف والدینی	آزمایش	۱/۳۰	۳/۵۶	۰/۷۱	۰/۴۸
	کنترل	۰/۶۳	۴/۷۲		
ارتباط با اقوام و دوستان	آزمایش	۰/۲۶	۳/۰۵	۲/۱۸	۰/۰۳
	کنترل	-۱/۲۰	۳/۳۲		
جهت‌گیری مذهبی	آزمایش	۰/۷۳	۳/۵۸	۱/۱۳	۰/۲۶
	کنترل	-۰/۱۳	۳/۵۳		

همانطور که ملاحظه می‌شود بین دو گروه آزمایشی و کنترل در مؤلفه‌های «ارتباط دوتایی»، «حل تعلی» و «روابط جنسی» در سطح $p \leq 0/01$ و در مؤلفه‌های موضوعات شخصیتی و ارتباط با اقوام و دوستان در سطح $p \leq 0/05$ تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که تفاوت معناداری در سطح $p \leq 0/05$ بین دو گروه آزمایش و کنترل در ابعاد مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، وظایف والدینی و جهت‌گیری مذهبی وجود ندارد.

● بحث و نتیجه‌گیری

همانگونه که ملاحظه شد، تحقیق حاضر با هدف «بررسی و ارزیابی میزان تأثیر روش مداخله‌ای حل مشکل خانوادگی بر کاهش ناسازگاری زناشویی» انجام گرفت. از یک سو موضوع «ناسازگاری زناشویی» موضوع مهمی است، چرا که تبعات آن می‌تواند خانواده، نسل‌ها و جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و از سوی دیگر «روش حل مشکل خانوادگی»، یک روش ساده، قابل فهم و مشکل‌محور است و بکارگیری آن هم در کوتاه‌مدت و هم در درازمدت می‌تواند مفید باشد. براین اساس در این پژوهش، روش مداخله‌ای حل مشکل خانوادگی بر روی گروه آزمایشی اجرا و با استفاده از پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل مقایسه گردید.

□ نتایج بدست آمده نشان داد که «روش حل مشکل خانوادگی» قابل آموزش و یادگیری است. نتایج مندرج در جدول ۲ نشان داد که بکارگیری این روش موجب می‌شود تا توانایی زوجین در حل مشکلات زناشویی افزایش یابد. این موضوع از این جهت مهم است که بسیاری از زوجین در طول زندگی زناشویی در موضوعات متعددی دچار تعارض می‌شوند و از حل آن عاجز می‌مانند. همچنین معمولاً انباری از مشکلات و تعارضات حل نشده در خانواده‌های دچار ناسازگاری زناشویی وجود دارد. بنابراین در صورتی که زوجین شیوه حل مشکلات را یاد بگیرند، می‌توانند مشکلات خود را کاهش دهند، مشاور خودشان باشند و بتوانند تعامل مناسبی با یکدیگر برقرار نمایند. روش حل مشکل خانوادگی بسیار ساده بوده و برای تمامی افراد از هر نوع جنس، سن و تحصیلات قابل آموزش و یادگیری است.

□ «روش مداخله حل مشکل خانوادگی» موجب کاهش ناسازگاری زناشویی در بین زوجین می‌شود. این نتیجه با نتایجی که گاتمن، (۱۹۷۹)؛ گرمین و نیسکرن، (۱۹۸۱)؛ گاردنر، (۱۹۹۱)؛ شرمین، اورسکی و رانتزی، (۱۹۹۱)؛ کرن و پوپریر، (۱۹۹۴)؛ دیان و توماس، (۱۹۹۶)؛ برگر و هننا، (۱۹۹۹)؛ چمپون و پاور، (۲۰۰۰)؛ کاریلو و الیوت و شوشبانک (۲۰۰۱) در پژوهش‌های خود بدست آورده‌اند همخوانی دارد. در این روش اعتقاد بر این است که تمامی زوجین در طول زندگی زناشویی با

مشکلاتی مواجه می‌شوند و همه آنها درصدد حل مشکل برمی‌آیند. هدف اصلی این روش آموزش نحوه مذاکره به زوج است تا راه‌حل‌های معقولی را برای موقعیت‌های مشکل‌آفرین پیدا کنند. در این روش بیش از حل مشکلات مطرح شده در جلسه یا جلسات، فرآیند حل این تعارضات مهم است. مطابق تحقیق حاضر می‌توان گفت که در جامعه ما نیز روش حل مشکل خانوادگی برای بهبود ناسازگاری زناشویی زوجین مفید است. پس می‌توان این روش را به عنوان یکی از روش‌های زوج درمانی توسعه داد و آنرا به مشاوران و متخصصان ازدواج و خانواده آموخت. «روش حل مشکل خانوادگی» چند ویژگی مهم دارد که گسترش آنرا تسهیل می‌کند:

۱. «ساده» است. به راحتی قابل آموختن و آموزش است. عبارات و مفاهیم این روش در زندگی روزمره مردم رایج است و یادگیری آن نیازی به آموزش مفهیم جدید ندارد. ۲. «مراحل» مشخصی دارد و هر یک از مراحل دارای تکالیف معینی است. ۳. یک «روش اقتصادی» است. این روش، نوعی درمان کوتاه مدت است و از دو مرحله رابطه و مشکل تشکیل شده است. ۴. قبل از مشکل به «بهبود رابطه» می‌پردازد. بهبود رابطه نقش مهمی در سازگاری زوجین و نقش محوری در بین سایر ابعاد سازگاری زناشویی دارد (احمدی، ۱۳۸۲). ۵. بکارگیری این روش اثرات پایداری برای زوجین دارد. بکارگیری این روش نه تنها به حل مشکل فعلی زوجین منجر می‌شود، بلکه آنها را یاری می‌دهد تا در مواجهه با مشکلات آتی نیز مؤثرتر عمل کنند.

□ آنچه به عنوان یافته جدید پژوهش دیده می‌شود بررسی تأثیر روش مداخله حل مشکل خانوادگی بر ابعاد سازگاری زناشویی است. عمده پژوهش‌های قبلی تنها به بررسی تأثیر این روش در کاهش مشکلات خانوادگی پرداخته‌اند. برای مثال تحقیق کاریلو و همکاران (۲۰۰۱). به حل مشکلات خانوادگی با تأکید بر کاهش علائم افسردگی بزرگسالان، تحقیق لرنر^{۱۹} (۱۹۹۰) به نقل از کاریلو و الیوت (۲۰۰۱)، به کاهش علائم خودکشی در عضوی از خانواده و تحقیق وسترن و همکاران (۱۹۹۳)، به بررسی تأثیر این روش بر سازگاری والدین با فرزندان تأکید داشته است. در پژوهش حاضر تأثیر روش حل مشکل خانوادگی بر هر یک از ابعاد ۹ گانه سازگاری زناشویی مورد بررسی قرار گرفت. براساس نتایج این تحقیق می‌توان گفت که بکارگیری روش حل مشکل خانوادگی موجب کاهش ناسازگاری زناشویی در ابعاد ارتباط دوتایی، حل تعارض، روابط جنسی، موضوعات شخصیتی و ارتباط با اقوام و دوستان می‌شود. در صورتی که ناسازگاری زوجین مربوط به زمینه‌های ارتباط دوتایی (تفاهم، درک، صمیمیت، و مراودات کلامی و غیرکلامی) حل تعارضات، روابط جنسی، موضوعات شخصیتی همدیگر (سلاقی، ویژگی‌های رفتاری) و نحوه ارتباط با اقوام و دوستان زوجین باشد، به خوبی می‌توان از روش حل مشکل

خانوادگی استفاده کرد.

تحقیقات نشان داده است که روابط دوتایی بین زن و شوهر در بین سایر ابعاد سازگاری زناشویی نقش محوری دارد (احمدی، ۱۳۸۲). روابط دوتایی متشکل از درک و تفاهم، صمیمیت و همدلی و مراودات کلامی و غیرکلامی در بین زوجین است. در بسیاری از موارد، روابط دوتایی به عنوان عامل اصلی در رضایت زناشویی تلقی می‌شود. طبق نظر کاناری و استفورد (۱۹۹۲)، عوامل پایداری در روابط دوتایی، مثبت بودن، باز بودن و درک و همدلی است. همه این موارد نشان می‌دهد که روابط دوتایی در بین سایر ابعاد سازگاری زناشویی مهم‌تر است. این در حالی است که یافته‌های این پژوهش نشان داد که روش حل مشکل خانوادگی بیش از سایر ابعاد سازگاری بر بهبود و ارتقاء روابط دوتایی بین زوجین تأثیر دارد، بر این اساس می‌توان روش حل مشکل خانوادگی را به عنوان روشی که اثربخشی بیشتری بر کاهش ناسازگاری زناشویی دارد معرفی نمود. از سویی دیگر روابط دوتایی زوجین بیشتر در دوره نامزدی و سالهای اول ازدواج شکل می‌گیرد و تلاش برای بهبود و ارتقاء روابط دوتایی در این دوره ضروری است. حال با توجه به اینکه مناسبترین روش بهبود روابط دوتایی، روش حل مشکل خانوادگی است، بنابراین بکارگیری این روش برای آموزش زوجین جوان می‌تواند در کاهش مشکلات و شکل‌گیری مناسب روابط دوتایی آنها مناسب باشد.

□ دومین بُعد از سازگاری زناشویی که تحت تأثیر روش مداخله‌ای حل مشکل خانوادگی بهبود یافته بود، «توانایی حل تعوی» است. این بعد، نگرشها، احساسات و اعتقادات شخصی همسر را در ایجاد یا حل تعارض و روش‌های زوجین را در نحوه پایان دادن مباحثات بیان می‌کند. وجود تعارض در روابط زناشویی اجتناب‌ناپذیر است. مهم این است که زوجین بتوان مواجهه با تعارض و حل آنرا داشته باشند. زوجین باید از وجود تعارض نهراسند و یا تعارض را تبدیل به مشکل نکنند. روش حل مشکل خانوادگی به زوجین کمک می‌کند تا درباره تعارضات موجود در روابط زناشویی نگرشهای واقع‌بینانه داشته باشند. طبق نظر کاسلو و رابینسن (۱۹۹۶)، مشارکت در حل تعارض و اجماع و همفکری زوجین عوامل عمده رضایت زناشویی هستند. بُعد دیگر در این مطالعه موضوع روابط جنسی است. روابط جنسی نقش مهمی در افزایش صمیمیت زن و شوهر دارد و همچنین بخشی از هدف ازدواج را تأمین می‌کند. این بُعد از سازگاری زناشویی احساسات و نگرشهای زوجین را درباره روابط جنسی و صمیمیت عاطفی با همسر مطرح می‌کند. وجود مشکل در روابط جنسی هم علت و هم معلول ناسازگاری زناشویی است. بهبود این روابط می‌تواند بخشی از رضایت زناشویی را تأمین کند. «روش مداخله‌ای حل

مشکل خانوادگی به زوجین دچار ناسازگاری» در روابط جنسی کمک می‌کند تا آنان بتوانند از ابراز عواطف رضایت کسب کنند، نسبت به مسائل جنسی نگرش مثبت پیدا کنند، روابط جنسی متقابلاً رضایتبخش داشته باشند و بتوانند در زمینه حاملگی بدون تعارض تصمیم بگیرند. بالاخره اینکه موضوعات شخصی و ارتباط با اقوام و دوستان نیز از ابعاد قابل توجه در سازگاری زناشویی است که با روش مداخله‌ای حل مشکل خانوادگی قابل بهبودی هستند. بُعد موضوعات شخصی در سازگاری زناشویی درک شخص از همسرش با توجه به رفتارها، ویژگیها و سطح رضایت یا عدم رضایت از سلیقه‌ها را مطرح می‌کند. و بعد ارتباط با اقوام و دوستان احساسات و علائق مربوط به روابط با خانواده اصلی، خویشاوندان، اقوام و دوستان همسر را ارزیابی می‌کند. موضوعات شخصی به سلیقه‌ها و رفتارهای فردی زوجین اطلاق می‌شود که ممکن است از سوی همسر دیگر قابل پذیرش نباشد و مشکل ایجاد کند. همچنین برقراری مراودات برون خانوادگی و تنظیم کمی و کیفی روابط با خانواده اصلی و اقوام و دوستان و تعیین دوستان مشترک جزو تکالیف زندگی زناشویی بویژه در اوایل ازدواج است. معمولاً رفتارهای فردی موجب شکل‌گیری قواعد مراودات در بین زوجین می‌شود. بنابراین پذیرش سلیقه‌ها و رفتار همسر و یا به عبارتی دیگر، بروز رفتارهای مقبول از سوی همسر می‌تواند روابط دوتایی را شکل دهد و زمینه را برای برقراری تفاهم در بین زوجین ایجاد کند. اصلاح رفتارهای فردی ضمن بهبود تعاملات بین فردی موجب رضایت شخصی و بهبود روابط اجتماعی و علی‌الخصوص ارتباط با خانواده اصلی و اقوام و دوستان می‌شود.

با این وجود در این پژوهش «اثر بخشی روش مداخله‌ای حل مشکل خانوادگی برای ناسازگاری‌های زناشویی» در ابعاد فعالیت‌های اوقات فراغت، وظایف والدینی، و جهت‌گیری مذهبی به تأیید نرسید. بنابراین لازم است مناسبترین روش مداخله‌ای برای بهبود ناسازگاری‌های زناشویی در ابعاد مذکور مطالعه، بررسی و معرفی گردد.

○ ○ ○

یادداشتها

- | | |
|---------------------------|--------------|
| 1- Family problem solving | 2- Bales |
| 3- Strodtbeck | 4- Shure |
| 5- Spirack | 6- Jacobson |
| 7- Margolin | 8- Goldstein |

- 9- Rodnick
11- Ben and Alyssa Model
13- Faculty Staff Assistance Program
14- Facts Optimism Creativity Understanding Solve
15- Enrich Marital Satisfaction Scale
17- Reliability
19- Lerner
10- Thomas and Killman Model
12- Michael Koder Model
16- Problem Solving Questionnaire
18- Validity

منابع

احمدی، خدابخش. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی، پایان نامه، دانشگاه علامه طباطبائی.
برنشتاین، فیلیپ. اچ. و برنشتاین، ماری تی. (۱۳۷۷). شناخت و درمان اختلالات زناشویی (زناشویی درمانی)، ترجمه حمیدرضا سهرابی، انتشارات رسا.
سلیمانیان، علی اکبر. و نوایی نژاد، شکوه. (۱۳۷۳). بررسی تأثیر تفکرات غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
مهدویان، فاطمه. (۱۳۷۶). بررسی تأثیر آموزش و ارتباط بر رضایت مندی زناشویی و سلامت روانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتو روانپزشکی تهران.

- Bechtold, D. & Rebol, A. (1988). *Cleveland diocese evaluation for marriage*, Cleveland: Diocese of Cleveland.
- Berger, R. & Hannah, M. (1999). *Preventive approaches in couples therapy* Taylor, Francis inc.
- Canary, D. J.; & Stafford, L. (1992). Relational maintenance strategies and equity in marriage, *Journal of Communication Monographs*, 59, 243-267.
- Champion, L.; & Power, M. (2000). *Adult psychological problems* (2ed), Psychological Press LTD. Taylor and Francis.
- Conway J. (2000). *Midlife dimensions with portions* 95-98. Retrieved 2002, from the World Wide Web: <http://www.Midlife.com/html/resources/Articles/RA22>. True world Access. inc.
- Daniel, J. W.; & Ballard, R. D. S. (1999). How couple maintain marriage. *Journal of Family Relation*, 48(3): 263.
- Dianne K. K.; & Thomas, O. M. (1996). A marker method to test a phasing hypothesis in family problem-solving interaction, *Journal of Marriage & Family*, 158.
- D'zurilla, T. J.; & Nezu, A. M. (1990). Development and preliminary evaluation of the social problem solving inventory. *Journal of Psychological Assessment*. 2, 156-163.
- D'zurilla, T. J.; & Nezu, A. M. (1999). *Problem solving therapy. A social competence approach to*

clinical intervention, (2nd ed), New York, Springer.

Forgatch, M. S. (1989). Patterns and outcome in family problem solving. *Journal of Marriage and the Family*, 51: 115-124. copyright 2001.

Fowers B. J.; & Olson D. H. (1993). Enrich Marital Satisfaction Scale A brief research and clinical tool. *Journal of Family Psychology*. 7: 179-58.

Fowers, B. J.; & Olson, D. H. (1989). Enrich Marital Inventory. A discriminant validity and cross validation assessment. *Journal of Marital and Family Therapy*, 15, 65-79.

FSAP: Faculty Staff-Assistance Program, (2002). *Conflict resolution. An outline of problem solving*. Retrieved 2002 from the world wide web: <http://www.upenn.edu/FSAP/Conflict.htm>.

Gardner, L. E. (1991). An interactive problem-solving approach to the teaching of marriage and family course. *Journal of Teaching Psychology*. 18, (1).

Gottman, J. (1979). *Marital interaction: Experimental investigation*. New York, Academic Press.

Greef, P. A.; & Malherbe, L. H. (2001). Intimacy and marital satisfaction in spouses. *Journal of Sex and Marital Therapy*. 27: 247-257.

Gurman, A.; & Kniskern, D. (1981). Family therapy outcome research. *Handbook of family therapy*, New York: Brunner/Mazel

Kaslow, F.; & Robison, J. A. (1996). Long term satisfying marriage, *American Journal of Family Therapy*, 24 (2).

Kieren, D.; & Poirier, M. (1994). *Teaching about family communication and problem-solving*. Handbook of family life education (p. 155-179) New Bury Park: Sage.

Kurylo, M. F.; Elliot, T. R.; & Shewchuk, R. M. (2001). Focus on the family caregiver: A problem solving training intervention. *Journal of Counseling & Development*, 79-275.

Lapuz, L. V. (1986). *Philipino marriages in crisis*, Quezon city: Newday Pub.

Markman, H. J. & et al (1993). Preventing marital distress through communication and conflict management training. *Journal of Counseling and Clinical Psychology*. 61, 70-77.

Nakonezny, P. S.; & Rodgers, R. (1995). The effect of no fault divorce law on the divorce rate across the 50 states and its relation to income, education, religiosity. *Journal of Marital and Family*. 57, 488.

Nezu, A. M.; Nezu, C. M.; & Perri, M. G. (1989). *Problem solving therapy for depression, Theory research and clinical guide lines*. New York. John Wiley Sons Inc.

Nichols, W. C.; & Becvar, D. (2000). *Handbook of family development and intervention*, New York: John Wiley & Sons Inc.

- Olson, D. H.; & Olson, A. K. (1997). Enrich canada, Inc. *Journal of Family Ministry*, 11, (4) 28-53.
- Sherman, R.; Oresky, P.; & Rountree, Y. (1991). *Solving problems in couples and family therapy*. New York .Brunner/Mazel.
- Simon, B. F.; Helm, S.; & Lyman C. W. (1985). *The language of family therapy*, New York, Family Process Press.
- Sinha, P.; & Mukerjee, N. (1990). Marital adjustment and space orientation, *Journal of Social Psychology*, 130(5)-633-639.
- Sison O. A. (1976). *Marital communication and its relation to marital adjust among marriage encounter couple*, Greater Manila area. Master's thesis ateneo Manila University, Quezon city.
- Thomas, K. W.; & Kilmann, R. H. (2000). *TKI conflict resolution*. Retrieved 2002 from the World Wide web: www.cpp-db.com. Thomas-Kilmannconflict Mode Instrument.
- Wadsby, M. (1998). Evaluation of the swedish version of the Enrich Marital Inventory, *Nord. Journal of Psychiatry*, 52: 379-388.
- Westerman, M. A.; & Schönboltz, J. (1993). Marital adjustment joint parental support in a triadic problem-solving task, and children problems. *Journal of Clinical Child Psychology*. 22, (1) 97-106.

